

ماجرای عشق و عاشقی میدون

تست خبر روی بابای سوفیا



یوریا عالمی

● یک مجری تلویزیون به اتهام حمایت از رئیس‌جمهور قبلی دستگیر شد.

زنگ زدم به بابای سوفیا و گفتم: شنیدی؟ رئیس‌جمهوری قبلی دستگیر شد؟

بابای سوفیا گفت: دددددسگگگگگیر؟

گفتم: اینکه چیزی نیست. حکمش هم آمد. ۲۰ سال حبس.

بابای سوفیا گفت: بییییست سسسالللل؟

گفتم: اینکه چیزی نیست. شبکه‌های انحرافی مرتبط با هم دادگاهی شدند.

بابای سوفیا گفت: ششششکککه؟

انتنححرالللل فی فی؟

گفتم: اینکه چیزی نیست. یک مجری معروف را هم به اتهام حمایت و سمپات او عزل و دستگیر کردند.

بابای سوفیا گفت: کی؟ کی؟ کدام‌یکی‌شان؟ مجری شبکه چند؟ داللاااااا سکنه می‌کنم. بدو بگو... گفتم: اینکه چیزی نیست. مجلس هم پشت این قضیه را گرفته.

بابای سوفیا گفت: مجلس؟ برو بابا. داری شوخی می‌کنی میدون دوم. خیلی هم شوخی بی‌مزه‌ای بود. تو داری درباره مصر و دستگیری محمد مرسی حرف می‌زنی. این مجریه هم «منی شکر» است. تا گفתי مجلس پیگیر قضیه است متوجه شدم ربطی به ما ندارد. تو این‌جوری خبر را گفتی که من سکنه کنم از خوشحالی و راحت شوی؟

گفتم: نه والا. من دارم خبرنویسی یاد می‌گیرم. یک چیزی داریم به نام «هرم وارونه» که مهم‌ترین چیز را همان اول می‌گویند. خواستم ببینم اگر هرم وارونه را از سمت نوکش استفاده کنیم چی می‌شود. بابای سوفیا گفت: حالا که عمرا نداشتم با سوفیا ازدواج کنی. هم به سرت نمی‌زند هرم وارونه را روی من امتحان کنی. هم یباد می‌گیری با رئیس‌جمهور پیشین مصر یا هرجای دیگری شوخی نکنی و هم بابای سوفیات را اذیت نمی‌کنی. گفتم: اصلا قصد اذیت شما را نداشتم... (بوق بوق بوق... تلفن را قطع کرد).

همین حوالی

حمل‌ونقل درون شهری و کرامت شهروندی

سیدحسین مهرآوران
متخصص داخلی، فلوشیپ ریه

● بهانه این‌ گفتار نه انگیزه‌های سیاسی بلکه دغدغه‌ای شهروندی است. دغدغه‌ای که مدتی است درحقیقت خاطر این‌ حقیر را به خود مشغول کرده؛ چند روزی است کلبیی در شبکه‌های مجازی درباره نحوه سوارشدن هم‌میهنان به مترو کرج دست‌به‌دست می‌شود. به لطف آنکه این جانب نیز مدتی است میهمان تهران، شهری با آسمان خاکستری، هستم و در ساعات متفاوت روز به فراخور نیاز، گاه اتمسفر لوازم حمل‌ونقل درون شهری (اتوبوس و مترو) را تجربه کرده‌ام، اندوهی دوباره را با دیدن این کلیپ لمس کرده‌ام.

تأثیرآور است دیدن هم‌میهنان عزیز در اتوبوس‌ها و واکن‌های مترو در شرایطی که از شدت ازدحام، امکانی برای خروج مسافران به سادگی، وجود ندارد. تأثیرآور است مشاهده شهروندان درحالی‌که حرمتی چنان‌که شایسته آنهاست، برای این سفرهای گاه نه چندان کوتاه درون شهری برای آنها لحاظ نمی‌شود و دشوار است در این لحظه‌های خستگی، کم‌حرمتی و تحمل‌های اندک، صورت‌بخشی ارزش‌های اخلاقی را به‌درستی و تمامی از ایشان انتظار داشتی. اینجاست که بخشیده‌شدن فضاهای اندک نشستن به سالمندان، افراد کم‌بنیه، ناتوان و بانوان، رفته‌رفته از صورت فضیلتی اخلاقی خارج یا حداقل به دست فراموشی سپرده می‌شود. ضمن تاکید به تداوم و تقویت راهکارهای منطقی موجود از سوی مسئولان در حمایت از گروه‌های نیازمند و آسیب‌پذیر جامعه در سطوح متفاوت حیات اجتماعی، شاید بتوان با واقعی‌ترکردن نرخ کرایه‌های مترو و اتوبوس، هم شاهد افزایش شمار واکن‌ها و اتوبوس‌ها در مسیرهای متفاوت شهری و به دنبال آن رضایت خاطر و آسایشی بیشتر برای شهروندان بود، هم عزت و حرمتی بیشتر را برای هم‌میهنان عزیز شاهد باشیم. ازسوی دیگر هم‌وظنان عزیز نیز فرهنگ ایشار را در پشتیبانی از جبهه‌های نبرد و عرصه‌های رزم دفاع مقدس هنوز فراموش نکرده‌اند و با وجود چنین کارنامه‌ای در پیش‌رو، انتظاری بیش از ملغمه‌ای غیراخلاقی، چنان‌که این روزها گاه شاهد آن هستیم، در تعامل با یکدیگر از ایشان می‌رود. به‌عنوان یک شهروند از مسئولان و دستگاه‌های محترم مسئول تقاضا دارم با اتخاذ تصمیماتی عاجل و درخور، برای حل این معضل و برای زمینه‌ای از زمینه‌های زوال آداب شهروندی در عصر زوال ارزش‌های اخلاقی، هرچه زودتر چاره‌ای ببینیدشند که فردا حقیقتا دیر است.

شترخوار

www.sharghdaily.ir

سهمشنبه ۴ آبان ۱۳۹۵ • ۲۳ محرم ۱۴۳۸ • ۱۵ اکتبر ۲۰۱۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۱۲ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۵ • اذان صبح فردا ۴:۵۷ • طلوع آفتاب ۶:۲۱

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



خبر آنالاین:هر۹ثانیه یک خشونت در ایران رخ می دهد



اتفاق

دکمه شادی مغز انسان کجاست

تری ایگلتن . ترجمه: امیلی امرایی

همه آدم‌ها در جست‌وجوی شادی هستند، تردیدی نیست. اما مشکل اصلی این است که محدوده شادی را تعریف کنیم؛ این هم برای خودش نکته‌ای است که هنوز فیلسوفان به هیچ اتفاق نظری درباره مصداق‌هایش نرسیده‌اند. آیا شادی امری است ذهنی؟ اصلا شادبودن را می‌توان اندازه گرفت؟ عیار سنجشش چیست؟ می‌شود بی‌اینکه اشراقی به شادی داشته باشیم، شاد باشیم؟ و ممکن است کسی در بدبختی غرق باشد و خیال کند که شاد است؟ در عصر حاضر، شادی از زندگی خصوصی به زندگی عمومی نقل مکان کرده، ویلیام دیویس چندسالی است دارد روی این مقوله پژوهش می‌کند، براین‌اساس معلوم شده شرکت‌های بزرگ روزه‌بور بیشتر دنبال استخدام مسئول بخش شادی‌بخش برای کارکنانشان هستند. نمونه پرسروصدایش شرکت گوگل بود که یک «رفیق‌جوکه» استخدام کرد که کارش کب‌گوشت و معاشرت خنده‌دار با کارکنان شرکت است. لابد همین روزها بانک مرکزی انگلیس هم یکی از اینها را استخدام می‌کند. قرار است برای مهاجران و تبعیدیان هم چنین همدمی دست‌وپا شود. خطوط هواپیمایی بریتانیا هم پتوهای شادی‌سنج پخش کرده که به میزان رضایت مسافران از پرواز و خدمه، رنگ پتوها از قرمز به آبی می‌رسد. قرض‌های ولایتین به بازار آمده‌اند و با این قرض‌ها قرار نیست پیش از دو هفته برای داغ‌دندانن تهدیدی برای سلامت است. اینکه ناراحتی و غم گریبان دنیا را گرفته، شاید این مسئله را طبیعی جلوه می‌دهد که همه در پی تزریق شادی برآمده‌اند. براساس آمارها یک‌سوم بزرگسالان در آمریکا و نیمی از جمعیت بزرگسال بریتانیا اعتراف کرده‌اند که در مواقعی احساس افسردگی می‌کنند، نیم‌قرن از کشف اولین سری داروهای ضدافسردگی گذشته و هنوز چندان درباره عملکرد این داروها نمی‌دانیم. در جوامعی که ناعدالتی در آنها زیاد است، مثل آمریکا و بریتانیا، سلامت روانی هم بیشتر دستخوش آسیب می‌شود. چند وقت پیش آمریکایی‌ها اعلام کردند غیبت بر اثر بی‌حوصلگی در محل کار سالانه بیش از ۵۵۰ میلیارد دلار خسارت به بار می‌آورد و در آن سو در کشورهای اسکاندیناوی مانند سوئد که اوضاع عادلانه‌تری وجود دارد، حال

منبع: گاردین

آکادمی

سرای محلات و دیدار رودررو



بابک زمانی
متخصص مغز و اعصاب

● سرای محلات شهر تهران خانه‌هایی در نزدیک‌ترین فاصله از خانه‌های مردم هستند؛ خانه‌هایی بزرگ با اتاق‌های متعدد و کمابیش مدرن و البته با سالن‌های کنفرانسی با گنجایش حدود صد نفر. نمی‌دانم فکر تأسیس سرای محلات اول به ذهن چه کسی رسوخ کرد، اما اکنون او باید بر خود بالاد که این سرا بارها از آن فکر فراتر رفته است!

این خانه‌ها مراکز جمعی هستند که شکلی مدرن و اداره‌شده از مراکز تجمع قدیم مثل قهوه‌خانه‌ها به شمار می‌روند با دو تفاوت اساسی؛ یکی آنکه در اینجا کسی دود نمی‌کشد، دوم اینکه ساکنان این قهوه‌خانه‌های مدرن، بیشتر، خانم‌ها، مادرها و مادربزرگ‌ها هستند، آن هم اجتماعی‌تریشان! کسانی که سرای محله را می‌شناسند و برنامه‌ها را دنبال و در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند! آدم‌های مهمی‌اند که مرکز و مرجع یک خانواده، یک فامیل و یک محله به شمار می‌روند.

سرای محلات جوانه‌هایی هستند در دنیای مدرن، با تصوراتی مدرن در محلاتی که پایه‌پای ظاهرشان – که مدت‌هاست نو شده- باید تعابیر و تصوراتشان را نیز خانه‌تکانی کنند. سالن‌های کنفرانس با مبل‌های راحت و آخرین تجهیزات سمعی‌بصری و پرسنلی تحصیل‌کرده و علاقه‌مند، گویی انتظار کسانی را می‌کشند تا ترومبولیز با آخرین شیوه مدرن را به‌جای زانو و سوراخ‌کردن کوش در سکنه مغزی حاد بگذارند یا از ضرورت بررسی پروستات، پستان، فشار خون و... به جای بیداری عادات دیگر بگویند و خود از تأثیر کلام و قدرت نفوذشان تعجب نکنند. روز پنجشنبه هشتم مهر به اتفاق ۲۲ نفر از همکاران و وزیدنت‌های مغز و اعصاب، هم‌زمان و هماهنگ طبق برنامه‌ای شامل یک سخنرانی واحد و ویدئوهای متعدد که بارها آنها را وارسی و تمرین کرده بودیم، به ۲۲ سرای محله تهران اعصاب می‌گویند همین‌روزهاست که دکمه خرید را در مغز انسان کشف کنند.

حالا هم در کنار این علوم جدید، روان‌شناسان به بازوی توجیه‌گری تبدیل شده‌اند تا فشار را از روی مسائل اجتماعی کم کنند و همه چیز را بر گردن خود فرد بیندازند. می‌گویند در بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ این بانک‌ها نبودند که مشکل داشتند بلکه مغز انسان‌ها مسئله اصلی بود. تنها نکته به‌دردبخور در میانه همه این تحقیقات این بود که آگاهی بیش از اندازه مردم را بیمار و افسرده می‌کند. شادی به معنای آنچه شرکت‌ها می‌خواهند و روان‌شناسی به معنای آنچه نظام سرمایه‌داری می‌طلبد؛ یعنی اینکه احساس خوبی داشته باشید. اما میلیون‌ها نفر از مردم جهان نمی‌توانند چنین احساسی داشته باشند، فکر هم نمی‌کنم علم کنترل ذهن و احساسات بتواند این میلیون‌ها نفر را در مسیر شادی دلخواهشان قرار دهد. کارشناسان امور شادی متوجه نیستند وقتی فردی قربانی بی‌عدالتی اجتماعی می‌شود و متوجه می‌شود در تمام سال‌های کارکردنش از او بهره‌کشی کرده‌اند، نمی‌تواند شاد باشد. برای همین هم وقتی ارسطو از علم خوشبختی حرف می‌زند، اسمش را می‌گذارد علم سیاست. شاید برای همین هم تا به حال متخصصان شادی راه به جایی نبرده‌اند.

مقاطع آموزش‌عالی کشور و کسب توانمندی‌ها و تخصص، اما همچنان رتبه شکاف جنسیتی در ایران تنها چهار رقم با آخرین کشور دنیا فاصله دارد.

اینکه «مبنای به‌کارگیری افراد در موقعیت‌های کلان تصمیم‌گیری باید شایسته‌سالاری باشد و نه زن یا مردبودن»، به اعتقاد من مبنای درستی است، اما به‌طور قطع ایسن معیار بدون اتخاذ استراتژی جریان‌سازی عدالت جنسیتی به نتیجه‌ای خواهد انجامید که امروز کشور ما با آن مواجه است. راهبرد جریان‌سازی عدالت جنسیتی، تجربه موفق‌ی است که کشور‌ها و جوامع دیگر که از قضا رتبه مقبول‌تری از حیث شکاف جنسیتی در مقایسه با ایران دارند، به کار گرفته‌اند و این راهبرد به آنها کمک کرده است تا تبعیض‌های موجود علیه زنان را کاهش دهند. درواقع اتخاذ این راهبرد جزئی از برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت توسعه در این کشور‌هاست. آنها دریافته‌اند که توسعه همه‌جانبه، پایدار، متوازن و دروزن، بدون ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان به دست نخواهد آمد.

در این روز‌ها که موضوع تغییر بخش‌هایی از کابینه دولت یازدهم مطرح است و قرار است چند نفر از وزرای دولت جای خود را به افراد دیگری

سلام به فردا

ترمیم کابینه واستراتژی عدالت جنسیتی

بدهند، فقدان این استراتژی در رویکردها بار دیگر خود را نشان داد.

در استراتژی جریان‌سازی عدالت جنسیتی که از قضا در برنامه ششم توسعه هم به آن اشاره شده است، در چنین بزنگاه‌ها و فرصت‌هایی باید موضوع ضرورت حضور زنان در مقررات، مطرح و به‌عنوان یک مطالبه جدی در راستای تأمین بخشی از الزامات توسعه و پیشرفت کشور مدنظر دولتمردان، کنشگران سیاسی و اجتماعی و به‌خصوص فعالان حوزه زنان و نیز زنان حاضر در هیأت دولت قرار گیرد. طرح و پیگیری این مطالبه، بخشی از راهبرد عدالت جنسیتی است که فقدان آن باعث شده، با وجود تصریح بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، جای زنان ایران در مقررات اساسی مملکت خالی باشد. بنابراین این روز‌ها فرصت مناسبی است که بار دیگر از دولت و مجلس بخواهیم فراموش نکنند حضور زنان در مقررات، اقدام جدی، جسورانه و قاطعانه آنان را می‌طلبد و کنشگران نیز فراموش نکنند که بدون طرح و پیگیری و اقدام مؤثر آنان، شکاف‌های موجود پر نخواهد شد.

حضور زنان در مقردرات به‌عنوان یک اصل انکارنشدنی نیاز به اقدامات همه‌جانبه در ساختار حقیقی و حقوقی ایران دارد.

رودررو

«ناصر پلنگی» در پاسخ به این پرسش که چرا ما ایرانی‌ها مهربان نیستیم:

اصل خود را فراموش کرده‌ایم

رسید و در نتیجه، جامعه را با فساد و کینه همراه خواهد کرد. از این منظر شاید بتوان گفت هنر می‌تواند راهی برای رسیدن و اتصال واقعی باشد.

۴ هنر چطور می‌تواند ما را آدم‌های مهربان‌تری کند؟



یکی از اسمای الهی «هوالمصور» است؛ در همه عرفان‌ها به خداوند، «نقاش» می‌گویند؛ یعنی او، خالق همه مورت‌ها و هستی است. وقتی ما می‌آفرینیم، می‌نوازیم، می‌سازیم و... متصل به آن روح خالق می‌شویم. بنابراین جامعه‌ای که خلق هنر در آن به یک ارزش بدل می‌شود، با صلح و مهربانی در ارتباط خواهد بود. باید مردم را به دیدن زیبایی عادت داد. دعوت مردم به دیدار زیبایی جاری در طبیعت و جاری در آثار هنری –که حاصل عبور طبیعت از جان هنرمند است- به ایجاد یک اخلاق اجتماعی و جمعی و گسترش خیر و همدلی در جامعه می‌انجامد. آماری که شما از این مؤسسه گفتید، نشان‌دهنده آن است که جامعه ما یک جامعه خلاق نیست، بلکه مصرف‌کننده است. همه آثار هنری در کل دنیا حاصل آفرینش افرادی است که متصل با طبیعت هستند و تجلی آن را در آثار هنری‌شان می‌بینیم. اما متأسفانه در جامعه ما این موضوع به‌طور کامل فراموش شده است.

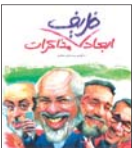
۴ رسانه‌ها چه نقشی در این زمینه دارند؟

از میانه رسانه‌ها اگر به صداسوسیما که سیطره بیشتری بر افکار عمومی دارد نگاه کنید، می‌بینید این رسانه حتی شبکه‌ای که به‌طور اختصاصی به موضوع هنر بپردازد، ندارد. ما فکر می‌کنیم از روش‌های دیگر می‌توانیم جامعه را به مهرورزی تشویق کنیم درحالی‌که راه درست، گسترش خلاقیت و هنر است. ما مردمان صاحب فرهنگی هستیم اما میراث‌دار خوبی نیستیم و به‌تازگی بسیار ظاهرین هم شده‌ایم.

۴ شما تابه‌حال فعالیت‌های مختلفی با عنوان صلح انجام داده‌اید. تجربیات شما در این زمینه چیست؟

من با ضایعات و دورریختنی‌هایی که در طبیعت رها شده‌اند، سعی کرده‌ام زیبایی خلق کنم. در حقیقت از ضایعات رها شده در محیط زیست که حاصل تصرف انسان است، شروع به ساخت مجسمه و در نهایت خلق زیبایی کرده‌ام. پیام من در ذات خود، آشتی و صلح با طبیعت است و موضوع کارم را هم «مسقونی صلح» نامیدم که پیام آن، یکسانی انسان‌ها و برابری آنها بود. در کشور‌های همسایه هم این مسئله را به صورت یک فستیوال بین‌المللی درآوردیم که نمونه‌اش در سال ۲۰۱۲ برای اولین‌بار برگزار شد. در آینده نیز نمایشگاهی با عنوان «مهر و محبت» با مجموعه‌ای از نقاشی برگزار خواهیم کرد که مجدداً به موضوع مهربانی و صلح می‌پردازد. با این همه، باید اعترا کنیم متأسفانه راه‌ها در این زمینه به روی هنرمند بسته‌شده است؛ به‌عنوان نمونه چندی پیش به وزارت نفت پیشنهاد دادم با ضایعات پالایشگاه آبادان که یادگار جنگ است، مجسمه‌هایی در سراسر ساحل ارون‌درد بسازیم که پیام صلح ما را به جهان برسانند. اما این طرح به‌دلیل مشکلات بودجه متوقف مانده است.

پیشنهاد



کاکایی، سعیده موسوی‌زاده، مهدی استاد احمد، سعید بیابانکی، محمدرضا کلزار، سعید ظلایی، امید صباغ‌انو و محمد سلمانی و کاریکاتورست‌هایی مانند شهاب جعفرنژاد، جمال رحمتی، محسن رفیعی، وحید شریفی، حسین صافی، احسان کنجی، علیرضا لیش، احمد عربانی، مهدی عزیزی، فیروزه مظفری، سعید نوروزی، علی یاکنهاد، محسن ایزدی و... وجود دارد.

به‌تازگی کتاب «ابعاد ظریف مذاکرات» به کوشش سیدعباس سجادی از سوی انتشارات سمیای شرق، منتشر شده است. این کتاب مجموعه‌ای از اشعار طنز و کاریکاتورهایی است که در طول مذاکرات هسته‌ای سروده یا طراحی شده‌اند. این کتاب با تیراژ هزار نسخه و قیمت ۲۰ هزار تومان منتشر شده و در آن آثاری از شاعرانی مانند فرامرز یحسان‌صفت، عبدالجبار